

فن تدبیر منزل به روایت ابن سینا

حمیده نورانی نژاد

تا آنجا که می‌دانیم، رساله تدبیر منزل شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا (م ۴۲۸)، نخستین اثر مستقلی است که در جهان اسلام به موضوع تدبیر منزل پرداخته است. موضوع این رساله عربی، چنان که از عنوان آن برمی‌آید، چگونگی اداره منزل و نحوه مشارکت زن با مرد و فرزند و بندگان و خدمتکارانش در این امر است. ۱

شیخ‌الرئیس پس از مقدمه‌ای در بیان اختلاف مردمان در منزلت و مراتب اجتماعی، درباره تفاوت احوال مردم در خرد و اندیشه به عنوان اساس بقای آنها چنین می‌نویسد:

خداوند مردمان را نسبت به خردها و نگره‌هاشان متفاوت ساخته، همچنان که در باب املاک، منازل و مراتب‌شان اختلاف نهاده است. اگر همه مردم ارباب (= ملوک) بودند، همدیگر را فنا می‌کردند، و اگر همگی رعیت (= سوجه) می‌بودند، جملگی نابود می‌شدند. همچنان که اگر در ثروت برابری می‌یافتند، هیچ کس برای هیچ کس کاری نمی‌کرد، و اگر هم در فقر برابری می‌یافتند، به بیچارگی می‌مردند و به بدبختی نابود می‌شدند. ۲

ابن سینا در ادامه از سیاست ملوک و ارباب نعم و ارباب منازل سخن گفته و با اشاره به نیاز مردمان به تدبیر منزل، مطالب رساله خود را در پنج فصل با این عناوین ارائه می‌دهد:

(۱) درباره سیاست نفس که در آن به مسئله کشف عیوب نفس و چگونگی علاج آنها پرداخته و آنگاه در پیش گرفتن فضایل را امر لازمی برمی‌شمارد. در این فصل روی سخن ابن سینا بیشتر با حاکمان و والیان جامعه است؛

(۲) درباره سیاست درآمد و هزینه خانه، که مهم‌ترین مباحث مطرح در آن عبارتند از: اصناف مردم در معیشت، انواع صناعات اهل مروّت و مسئله زکات و صدقات و نفقات. در این فصل، ابن سینا

آشکارا بر اساس تعالیم اسلامی سخن می‌گوید. در عین حال سخنان او در مواردی چون شرایط نیکوکاری و تعجیل در آن و کوچک برشمردنش نزد دیگران و کتمان آن و استمرارش و اختیار موضع، به روشنی از آشنایی او با آموزه‌های اهل فتوت خبر می‌دهد؛ آموزه‌هایی که در رساله العشق او نیز بازتابی آشکار دارند؛ ۳

۳) درباره سیاست اهل خانه، که مهم‌ترین مسائل مطرح در آن عبارتند از: صفات زن و چگونگی رفتار با او که به شیوه‌ای روانشناسانه بر رفتار توأم با هیبت و کرامت تأکید دارد. نکته قابل توجه در این فصل اصرار ابن‌سینا بر امر زناشویی است و آشکار نمودن این امر و تلاش در استواری پایه‌های آن تا آنکه از جدایی میان زن و شوهر تا حد امکان جلوگیری شود. در عین حال او به پیروی از آموزه‌های ارسطویی، زن را موجودی سست خرد می‌داند که از خشم و هوس خویش پیروی می‌کند و به همین دلیل روا نیست که در صدد تصرف مرد برآید و او را مالک شود؛ همچنان که پیشه‌ور بودن او امری پسندیده نیست. در واقع، ابن‌سینا به زن همچون خدمتکار مرد می‌نگرد، یعنی به عنوان کسی که مرتب کردن وضع خانه به عهده اوست. پس هدف مرد در همسرگزینی را، در وهله اول در این امر بازمی‌جوید و در نظرش آنچه جز این باشد در درجه دوم اهمیت قرار دارد. شیخ‌الرئیس بر انجام شایسته و بایسته وظایف محوله به زن تأکید دارد، و برای او داشتن صفاتی را شایسته برمی‌شمارد که عبارتند از: عاقل بودن، دینداری، حیا، زیرکی، مهربانی، زایایی، کوتاه‌زبانی، فرمانبرداری و پاک دامنی. البته، این سخن بدین معنا نیست که ابن‌سینا زن را هم‌پایه صرف خدمتگذاران خانه بداند؛ چرا که به تأکید، از حرمت نهادن مرد به وی سخن می‌گوید و به رفتار با اخلاص مرد با زن توجه دارد، هر چند با احتیاط؛

۴) درباره سیاست فرزند، که در آن تربیت کودک و مراحل آموزش او را از شیرخوارگی تا رشد کامل مورد توجه و بحث قرار گرفته است. به نظر ابن‌سینا می‌باید که برای فرزندان دایگانی نیکو انتخاب کرد و از او ان خردسالی به تربیت آنان همّت گمارد. آموزگاران کودک نیز شایسته است که نرم‌خویی و سخت‌گیری را در آموزش او درهم آمیزند. نخستین آموخته‌های کودک عبارتند از: امور دینی و مسائل اخلاقی؛ و والدین باید بکوشند «تا فرزندشان با بزرگ زادگان و صاحبان اخلا عالیه هم درس باشد». ۴ پس از پایان مراحل تحصیل، کودک باید به آموختن صناعتی موافق با استعدادش

تشویق شود. پس از آن، تشکیل خانواده برای او امری ضروری است و پس از این مرحله او را باید به حال خویش رها کرد؛ چرا که شایسته نیست که فرزند همواره تحت سرپرستی و نظارت والدین باشد؛ (۵) درباره سیاست خدمتگذاران منزل؛ که مهم‌ترین مباحث مطرح در آن عبارتند از دقت در گزینش ایشان و چگونگی رفتار با آنها به هنگام وقوع مسائلی مانند بیماری و نافرمانی.

ابن سینا رسالهٔ *تدبیر منزل* را با هدف ارائهٔ راهی برای دستیابی آدمی به نیک‌بختی در همهٔ احوال نگاشته است. در عین حال، او به این نکتهٔ بس مهم توجه دارد که راه حصول نیک‌بختی، جامعهٔ انسانی است، و این جامعه نیز در اصلاح خود به اصلاح فرد آدمیان وابسته است. از این روی، بایسته است که هر کس نخست به اصلاح خویش پردازد و آنگاه اصلاح دیگران را وجه همّت خویش نهد. بدین سان دستیابی به کمالات انسانی، ویژهٔ گروه خاصی از مردم نیست و جملگی گردانندگان و نگاهبانان و پیشه‌وران جامعه، در برابر آن یکسانند؛ چنان که شیخ‌الرئیس در این زمینه می‌نویسد:

کوتاه‌پایه‌ترین، بی‌پشت‌ترین، رقت‌بارترین، تنگدست‌ترین، کم‌شمارترین آنان نیازمند به سیاست و تدبیر نیکو، اندیشگری و ارزیابی بسیار، نافرورگداری و کم سستیدن، بازدارش و سرزنش، زورآوری و پیشرانی، ترازبندی و ارزیابی است بدانچه پادشاه بزرگ نیازمند آن است. حتی اگر گوینده‌ای بگوید آنچه نیاز است همانا بیداری، هشیاری، شناسایی، جویایی، پژوهش، کاوش، جستار، بازیابی یا بیم آگاهی، گرانمندی و آرام‌کاری، پروا از بندگسلی و اختلاف کلمه است، سخنی بس درست گفته، زیرا آن یکه و تنهایی که پشتی ندارد و آن کس که او را دستگیری نیست، به حسن عنایت نیازمندتر به پشتداری قوی با بسندگی شایستگان و گسلیش وزیران و یا دیگران سزاتر است، و هم اینکه آن نادر تهیدست، به بهبود زندگی و بهسازی حال بسی نیازمندتر از دارای توانگر است. شگفت نیست اگر اخلا درویشان نیک و اخلا سروران بد شود، زیرا مردم عیب‌های سروران را پنهان می‌کنند و با ثنای دروغین ایشان را می‌پوشانند و با ستایش باطل آنان را غرّه می‌سازند. وضع فرودستان ایشان چنین نیست، زیرا مخالفانشان آنان را با معایب و مقایح برمی‌سنجند، همچنان که دوستانشان آنان را بر عیب‌هاشان هشدار می‌دهند، پس اخلا خویش را اصلاح کرده، کمتر از سروران گشادباز می‌شوند. ۵

بدیهی است که اصلاح نفس خویش جز از راه شناخت معایب آن و آشنایی با چگونگی از میان بردن آنها میسر نخواهد بود. پس بی سبب نیست که ابن سینا رسالهٔ *تدبیر منزل* را با بحث از سیاست نفس آغاز می کند و آن را بر سیاست منزل و مباحث متعارف چهارگانهٔ آن مقدم می دارد. بنابراین، هم رأی با محسن مهدی می توان گفت که در نظر ابن سینا، تدبیر منزل به خودی خود راهنمون به سعادت نیست، بلکه زمینه ساز دستیابی به آن فضایل اخلاقی است که سعادت دنیوی و اخروی را نتیجه می دهد. ۶ بدین سان می توان دریافت که او چرا در تقسیم بندی حکمت عملی، تدبیر منزل را پس از علم الاخلا می نهد.

دربارهٔ منابع کار ابن سینا در رسالهٔ *تدبیر منزل* آراء مختلفی در دست است. حنا الفاخوری و خلیل الجر برآند که ابن سینا در تألیف این رساله به آثار ابن مقفع نظر داشته است، به ویژه به رساله های *الادب الکبیر و الادب الصغیر*. ۷ اینان در تأیید سخن خود، به کار ابن مقفع در جستجوی معایب نفس و ارائهٔ چگونگی اصلاح آن استناد کرده اند و در بهره گیری شیخ الرئیس از مطالب آثار مترجم کتاب *کليلة و دمنه* تردیدی ندارند. ۸

این در حالی است که احمد فؤاد اهوانی و پرویز اذکائی با اشاره به منسوب بودن این اثر به ابن سینا در نظر برخی محققان، آراء ابن سینا در این زمینه را، بهره گرفته از رساله های *جمهوریّت افلاطون و سیاست ارسطو* و آراء فارابی در باب *مدینه فاضله* دانسته اند. ۹ به نظر اینان، ابن سینا در فلسفهٔ سیاسی خود، که بخش مهمی از آن را در رسالهٔ *تدبیر منزل* نیز می یابیم، دربارهٔ طبقات سه گانهٔ گردانندگان و نگاهبانان و پیشه وران جامعه و نیز دربارهٔ نیروهای سه گانهٔ نفس آدمی، تحت تأثیر افلاطون است و مسئلهٔ پایگان و مراتب اعضای جامعه را از فارابی برمی گیرد. ۱۰ با این حال به نوشتهٔ ایشان، ابن سینا با افلاطون و فارابی اختلاف هایی نیز دارد. نخستین اختلاف به تأکید ابن سینا بر امر زناشویی و مالکیت خصوصی بازمی گردد که با رأی افلاطون در باب اشتراک زنان و اموال تفاوتی اساسی دارد. تفاوت ابن سینا و فارابی نیز به رویکرد شیخ الرئیس در توجه به *مدینه واقعی* به جای توجه به *مدینه خیالی* فارابی، مربوط می شود.

پیشتر از تأثیر پذیری ابن سینا از آموزه های اسلامی در این زمینه نیز سخن گفتیم. همچنین از رسالهٔ *تدبیر منزل* نگاشتهٔ بروسن (*Bryson*) نوفاغوری در سدهٔ دوم میلادی باید یاد کرد که به زبان

عربی ترجمه شده و ابن سینا در رساله *فی اقسام العلوم العقلیه* خود بدان اشاره می‌کند؛ ۱۱ هر چند که به تعبیر مارتین پلسنر، درباره بهره‌گیری آراء ابن سینا در فنّ تدبیر منزل از این رساله، شواهد اندکی در دست داریم. ۱۲

سرانجام از احتمال بهره‌گیری ابن سینا در این زمینه، از آثار طبّی نگاشته شده در روزگارش می‌توان سخن گفت؛ چرا که هم‌هنگام او شاهدیم که ابوالحسین احمد طبری از پزشکان سده چهارم هجری، فصل پنجاهم از نخستین مقاله کتاب *المعالجات البقراطیه* خود را به فنّ تدبیر منزل اختصاص می‌دهد. ۱۳ و پُر بیراه نیست که ابن سینا نیز به عنوان یک پزشک با چنین آثاری آشنایی داشته و آراء خویش را تحت تأثیر آنها مطرح کرده باشد.

رساله *تدبیر منزل* ابن سینا در برخی منابع و نسخه‌های خطی به عنوان *رساله فی السیاسه* معرفی شده است. ۱۴ گویا علت این نامگذاری، بکارگیری اصطلاح «سیاست» به جای تعبیر «تدبیر» در این رساله باشد. در این زمینه نیز باید گفت که کاربست چنین اصطلاحی به شیخ‌الرئیس اختصاص ندارد، چرا که از همان نخستین متن‌های بر جای مانده در این زمینه، مانند *المنطق ابن مقفع*، ۱۵ *حدود المنطق ابن بهریر*، ۱۶ *جوامع العلوم ابن فریغون* ۱۷ و *رسائل اخوان الصفا* ۱۸ شاهدیم که تعبیرهای «سیاسه الخاصه» و یا «السیاسه الخاصیه» به جای «تدبیر منزل» به کار می‌رفته است. در عین حال آنچه در این رساله‌ها جلب نظر می‌کند، تعبیر «عمل» به «تدبیر» و «سیاست»، و همسان گرفتن این دو مفهوم است، که به تعبیر یونانی، به گذار از «نوموس» (*nomos*) به «پولتیا» (*poletia*) در گام نخست، و آنگاه به همسان گرفتن آن دو، می‌توان از آن یاد کرد؛ چنان که در این معنی با آنچه ارسطو در کتاب *اول سیاست* درباره تدبیر منزل ۱۹ و در فصل هشتم از کتاب *ششم اخلا نیکوماخوس* درباره تقسیم فلسفه عملی به تدبیر منزل و قانون‌گذاری و سیاست (به معنای جنبه‌های اجرایی و قضایی آن) آورده، ۲۰ همسان می‌نماید. ۲۱

نکته مهم از منظر این بحث آنکه این نحوه کاربست اصطلاح «تدبیر» و طرح اداره امور خانواده به عنوان «سیاست الخاصه» — که همانا «تدبیر منزل» باشد — در این آثار، از نظر زمانی بر ترجمه رساله *تدبیر منزل* یا *اویکونومیکوس* (*Oikonomikos*) بروسن نوفیثاغوری — به زبان عربی در سده‌های سوم یا چهارم هجری، تقدّم دارد. بدین ترتیب، بر خلاف آثار کسانی چون ابوعلی مسکویه، امام فخر

رازی و خواجه نصیر طوسی که تحت تأثیر رساله تدبیر منزل بروسن در این موضوع بحث کرده‌اند، ۲۲ برای تعبیرهای به کار رفته در آثاری چون رساله المنطق ابن مقفع و جوامع العلوم ابن فریغون، سرچشمه‌های دیگری می‌باید جست، سرچشمه‌ای که ما از آن به خوانش ایرانی / اسکندرانی کتاب سیاست ارسطوی استاگیرایی یاد می‌کنیم؛ و از چشم‌انداز این بحث، مهم‌ترین نماینده آن همانا بطلمیوس غریب باشد؛ ۲۳ و می‌دانیم که رساله او با نام اخبار ارسطاطالیس و وفاته و مراتب کتبه ، ۲۴ از مهم‌ترین منابع آشنایی با ارسطو در جهان اسلام بوده است. ۲۵

۱. این رساله نخستین بار توسط لوئیس معلوف در شماره ۹ مجله المشر به سال ۱۹۰۶ میلادی در بیروت منتشر شد و پس از آن در کتاب *مقالات فلسفیه قدیمه لبعض مشاهیر فلاسفه العرب* (بیروت، ۱۹۱۱م، صص ۲ - ۱۷) و بار دیگر در *مجموع فی السیاسه* (به کوشش فؤاد عبدالمنعم احمد، اسکندریه، بی تا) منتشر شده است. ترجمه فارسی آن نیز به قلم محمد نجمی زنجانی، با عنوان *ابن سینا و تدبیر منزل* در ۱۳۱۹ شمسی در تهران به چاپ رسیده است.
- گفتنی است که رساله مورد بحث ما را از رساله *تدبیر منزل العسگر* او که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های ایاصوفیه، جازالله و نور عثمانیه در استانبول وجود دارد، می‌باید متفاوت دانست (نک: یحیی مهدوی، *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا*، تهران، ۱۳۳۳ش، ص ۵۷).
۲. ترجمه فارسی به نقل از: پرویز اذکائی، «دادشهر ابن سینا»، *ماهنامه چیستا*، سال سوّم، شماره ۳، آذرماه ۱۳۶۴ش، ص ۱۷۸.
- برای اصل سخن ابن سینا نک: «السیاسه»، *مجموع فی السیاسه*، به کوشش فؤاد عبدالمنعم احمد، اسکندریه، بی تا، ص ۳.
۳. نک: ابن سینا، «رساله العشق»، *رسائل شیخ رئیس ابن علی الحسین بن عبدالله بن سینا*، افست قم، ۱۴۰۰، ص ۳۸۳.
۴. پرویز اذکائی، «دادشهر ابن سینا»، *ماهنامه چیستا*، سال سوّم، شماره ۳، پیشین، ص ۱۸۴.
۵. پرویز اذکائی، «دادشهر ابن سینا»، *ماهنامه چیستا*، سال سوّم، شماره ۳، پیشین، ص ۱۸۴.
۶. *M. Mahdi, "Avicenna: practical science", Encyclopaedia Iranica, ed. Yarshater, New York, 1989, vol.3, pp.84-88. Ehsan*
۷. حنا الفاخوری - خلیل الجرّ، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، ۱۳۵۸ش، ص ۵۱۰.
۸. همان .

۹. احمد فؤاد الاهوانی، «نظریه ابن سینا السیاسه»، کتاب المهرجان لابن سینا، ج ۳، تهران، ۱۳۳۵ ش، ص ۱۹۶؛ پرویز اذکائی، «دادشهر ابن سینا»، ماهنامه چیستا، سال سوم، شماره ۳، پیشین، صص ۱۷۳ - ۱۷۴.

۱۰. اذکائی، همان، پیشین، ص ۱۷۴؛ الاهوانی، همان، پیشین، ص ۱۹۶.

۱۱. نک: ابن سینا، «فی اقسام العلوم العقلیه»، تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات، قم، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۴۲.

نخستین کسی که از تأثیر رساله تدبیر منزل بروسن بر آثار متفکران مسلمان یاد کرده، هلموت ریتز در مقاله «کتابچه دانش بازرگانی عرب» است:

H. Ritter, "Ein arabischen Handbuch der handelwissenschaften", Der Islam, Band 17, 1917, ss.1-91.

گفتنی است که اصل یونانی رساله تدبیر منزل بروسن برجای نمانده، اما ترجمه عربی آن را لویس شیخو بر اساس نسخه منحصر به فردی که به احتمال از سده چهارم هجری بر جای مانده و در صفحات ۶۲ تا ۹۶ نسخه شماره ۲۹۰ دارالکتب قاهره، تیمور اخلا، باقی است، در مجله المشر (ش ۱۹، ۱۹۲۱م، صص ۱۶۱ - ۱۸۱) منتشر کرده؛ و پس از شیخو، این رساله، بار دیگر به همراه ترجمه‌های عبری و لاتینی انجام گرفته بر اساس آن، توسط مارتین پلسنر منتشر شده است:

M. Plessner, Der Oikonomikos des Neupythagoreens 'Bryson' und sein Einfluß auf die islamische Wissenschaft, Heidelberg, 1928.

12. Cf: Wilferd Madelung, "Nasir ad-Din Tu'si's ethics between philosophy,

shism and sutism", Ethics in Islam, ed. Richard G. Hovannisian, Malibu ۱۹۸۵, p.86, n.5.

۱۳. این رساله با عنوان رساله فی السیاسه الخاصه و العامه در سده هفتم هجری به قلم ابوعلی حسن سلماسی به فارسی ترجمه شده است. شارل - هانری دوفوشه کور از این ترجمه به عنوان اثری یاد کرده که «به بهترین نحو مبین ادغام تقسیم‌بندی سه‌گانه فلاسفه در اخلاقیات اندرزمایز است»؛ و به

تحقیق زنده‌یاد محمدتقی دانش‌پژوه، این اثر در واقع، ترجمه‌ای است آزاد از فصل پنجاهم از نخستین مقاله کتاب *المعالجات البقراطیة* ابوالحسن احمد بن محمد ترنجی طبری، پزشک نامدار سده چهارم هجری و در آن «نمونه‌ای از مسائل اخلاقی و تدبیر منزل یا کتخدایی یونانی دیده می‌شود و آن خود نمایاننده اندیشه فیلسوفان مشائی ایرانی پیشین در این زمینه نیز هست و نکته‌های فراوانی به ما می‌آموزد، و خود مدرکی تازه خواهد بود که تاکنون کمتر بر سر زبان‌ها بوده است». نک:

شارل - هانری دوفوشه‌کور، *اخلاقیات* (مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری)، ترجمه محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران، ۱۳۷۷ش، ص ۶۱۰؛ ابوعلی سلماسی، «الرساله السیاسه»، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، فرهنگ ایران زمین، زیر نظر ایرج افشار و ...، ج ۲۵، تهران، ۱۳۶۱ش، صص ۱-۲.

درباره ابوالحسن طبری و *المعالجات البقراطیة* نیز نک: محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوه به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳، بخش ۴، تهران، ۱۳۳۵ش، صص ۲۴۲۵ - ۲۴۲۹، پی‌نوشت ۱؛ فؤاد سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، جلد سوم: پزشکی، داروسازی و ...، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، ۱۳۸۰ش، صص ۴۳۴ - ۴۳۶؛ ابوعلی سلماسی، «الرساله السیاسه»، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۵، پیشین، ص ۲.

۱۴. نک: یحیی مهدوی، *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا*، پیشین، صص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۱۵. نک: یحیی مهدوی، *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا*، پیشین، صص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۱۶. ابن‌بهریز، «حدود المنطق»، *المنطق ابن‌مقفع*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، پیشین، صص ۱۱۱-۱۱۳.

۱۷. نک: حسین خدیو جم، «کتاب جوامع العلوم»، *نامه مینوی*، به کوشش حبیب یغمایی و ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۰ش، ص ۱۵۹.

۱۸. *رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء*، با مقدمه بطرس البستانی، افسست قم، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۷۴.

۱۹. ارسطو، *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، تهران، ۱۳۶۴ش، ص ۷ (کتاب نخست ۱: ۲ و ۲).

۲۰. همو، *اخلا نیکوماخوس*، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۲۳ (۱۱۴۱ الف).

۲۱. گفتنی است که ابن‌بهریز نیز در این معنا، خویشکاری هریک از گونه‌های سه‌گانه سیاست را بر این چهار قسم برشمرده است: بنیاد نهادن سنت‌ها، قضاوت‌های استوار، محافظت در برابر دشمنان، مجاهدت برای دستیابی به آنچه کشف شدنی (: به دست آمدنی) است. نک: «حدود المنطق»، المنطق ابن‌مقفع، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، پیشین، ص ۱۱۲.

۲۲. نک: ابوعلی مسکویه، *تهذیب الاخلا و تطهیر الاعرا*، به کوشش حسن تمیم، افست قم، ۱۴۱۰، صص ۶۸ - ۷۵؛ ابوحنان توحیدی و ابوعلی مسکویه، *الهوامل و الشوامل*، به کوشش احمد امین و احمد صقر، قاهره، ۱۳۷۰، صص ۳۴۶ - ۳۴۹؛ فخرالدین رازی، *جامع العلوم*، به کوشش سید علی آل داود، تهران، ۱۳۸۲ش، صص ۴۷۰ - ۴۷۵؛ خواجه نصیرالدین طوسی، *اخلا ناصری*، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، ۱۳۶۹ش، صص ۲۰۸ به بعد؛

Yassin Essid, A critique of the origins of Islamic economic thought ,

Leiden, 1995, pp.197-203.

۲۳. بطلمیوس غریب یا پتولمایوس خنُس، از پیروان فلسفه مشائی در نخستین سده مسیحی است که «سرگذشت‌نامه ارسطو»ی نگاشته‌اش، اساس آگاهی مسلمانان از زندگی معلم اوّل بوده است؛ درباره او نک: محمدتقی دانش‌پژوه، «سرگذشت‌نامه ارسطو»، *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۴۳-۴۴، تهران، ۱۳۶۶-۱۳۶۷ش، صص ۲۴۷-۲۶۷؛

I. Dsring, Aristotle in the Ancient Biographical Tradition, Gxteborg,

1957 pp.208-211, 469-476; D. Gutas, Greek Wisdom Literature in Arabic Translation (A Study of the Graeco - Arabic Gnomologia), New Haven, 1975, pp.381-383.

۲۴. برای آگاهی از چگونگی بهره‌گیری مسلمانان از اثر بطلمیوس غریب نک: محمدتقی دانش‌پژوه، «سرگذشت‌نامه ارسطو»، *مقالات و بررسی‌ها*، پیشین، صص ۲۵۰-۲۵۳؛ همو، *تاریخ‌نگاری فلسفه*، تهران، ۱۳۶۵ش، ص ۲۳؛ آنتون - هرمان کروسست، «زندگی ارسطو در آثار تذکره‌نویسان

سریانی و عرب»، ترجمه اسماعیل سعادت، معارف، سال دوم، شماره ۳، تهران، آذر - اسفند ۱۳۶۴
ش، صص ۱۹-۴۳؛

I. Döring, Aristotle in the Ancient Biographical Tradition, op.cit. , pp.189-192; C. Hein, Definition und Einleitung der Philosophie von Spätantiken Einleitungs Literatur zu arabischen Enzyklopädie, Frankfurt & New York, 1985 ss.391 ff.

۲۵. درباره این کتاب و آشنایی مسلمانان با آن، افزون بر منابع ذکر شده در پی‌نوشت پیشین، برای نمونه نک: ابن ندیم، *الفهرست*، به کوشش م. رضا تجلند، تهران، ۱۹۷۳م، صص ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۵؛ جمال‌الدین علی قفطی، *تاریخ الحکماء*، به کوشش یولیوس لپپرت، لایپزیگ، ۱۹۰۳م، صص ۴۲-۴۸، ۸۹-۹۰؛ همو، همان، ترجمه فارسی از سده یازدهم هجری، به کوشش بهین دارایی، تهران، ۱۳۴۸ش، صص ۶۷-۷۳، ۱۲۶.